

سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی در ایران (۱۳۷۳-۱۳۹۶)

عباس شاکری*
فرشاد مؤمنی**
امیر خادم علیزاده***
سیدهای مخزن موسوی****

چکیده

شاخص‌های ترکیبی در ادبیات اقتصادی، سنجه‌هایی مناسب برای ارزیابی عملکرد و آگاهی از فاصله وضعیت موجود با اهداف برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی می‌باشد. هدف این مقاله، ارائه و سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی است که به لحاظ روش، الگوی OECD را مدنظر دارد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که «توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها»، «توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده»، «سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت»، «بازتوزیع درآمد و ثروت» و «توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه» از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی هستند. همچنین، رابطه مثبت میان «شاخص فیزیکی کیفیت زندگی»، «میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی»، «میزان بهره‌وری کل عوامل تولید»، «شاخص رفاه آمارتیا سن»، «نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی» و «سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی» و در مقابل رابطه منفی «شاخص فوستر، گریر و توربک» با روند عدالت اقتصادی برقرار می‌باشد. با توجه به محاسبات انجام گرفته شده، شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی در ایران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶، غیر از موارد اندکی روندی صعودی داشته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران، سنجش شاخص، شاخص ترکیبی، عدالت اقتصادی.
طبقه بندی JEL: I30, D63, C43.

shakeri.abbas@gmail.com
farshad.momeni@gmail.com
aalizadeh@atu.ac.ir
s.20.mousavi@gmail.com

* استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
** استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
*** استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
**** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵

۱. مقدمه

عدالت اقتصادی یکی از پایه‌های اساسی و اصول حاکم در اقتصاد اسلامی است؛ از این رو فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اسلامی است و وظیفه اصلی حاکمان و حکومت‌های اسلامی تحقق و رعایت عدالت، گسترش آن و تربیت انسان‌های عدالت‌محور و عدالت‌خواه به نظر می‌رسد.

برای بررسی و ارزیابی عملکرد اقتصاد یک کشور در رابطه با عدالت اقتصادی و برای رصد حرکت آن به سمت وضعیت عادلانه مطلوب و همچنین علامت‌دهی و ارائه طریق برای وصول به این مهم، باید معیاری مناسب انتخاب شود که با توجه به گستردگی مفهوم عدالت و پراکندگی مؤلفه‌های بیان‌کننده آن، دست‌یابی به شاخص ترکیبی اجتناب‌ناپذیر است.

به صورت کلی شاخص‌ها، معیارهای اساسی برای ارزیابی میزان نزدیکی به هدف مورد نظر هستند و در زمینه تجزیه و تحلیل‌های سیاستی می‌توانند در شناسایی روندها و توجه به مسائل خاص بسیار مفید باشند. آنها همچنین می‌توانند در تعیین اولویت‌های سیاستی و ارزیابی یا نظارت بر عملکرد، مفید باشند. شاخص ترکیبی هنگامی ایجاد می‌شوند که تعدادی از سنجه‌های منفرد در شاخص ترکیبی واحد و براساس یک مدل زیربنایی گردآوری شوند. اصولاً یک شاخص ترکیبی برای ارزیابی و سنجش مفاهیم چندبعدی به کار گرفته می‌شود که با یک نشانگر تنها اندازه‌گیری نمی‌شوند (OECD, 2008, p8). شاخص‌های ترکیبی به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری مفید برای نظارت بر عملکرد، مقایسه الگو برداری و ارتباطات عمومی در گستره وسیعی از زمینه‌ها شناخته شده‌اند (Zhou & Ang, 2009, p83).

با توجه به الگوی OECD برای ایجاد شاخص ترکیبی، فرایندی مورد نیاز است که از ایجاد و توسعه یک چارچوب نظری آغاز و تا ارائه و ایجاد شاخص ترکیبی ادامه می‌یابد. به همان میزان که هر یک از این مراحل اهمیت دارند، انسجام کل فرایند نیز امری حیاتی می‌باشد؛ به طوری که انتخاب‌های اتخاذ شده در هر مرحله می‌تواند پیامدهای مهمی برای دیگر مراحل داشته باشد. البته ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نوع مطالعه، ممکن است بعضی از این مراحل نادیده گرفته شود و یا اهمیت کمتری داشته باشد (OECD, 2008, p15-16) که این مراحل برای تدوین شاخص ترکیبی عدالت با رویکردی اسلامی در ادامه تشریح می‌شوند.

پرسش اصلی پژوهش این است که در چارچوب تعریف گسترده عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی «مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی کدام‌اند؟» که در راستای یافتن پاسخ منطقی این پرسش، فرضیه زیر به لحاظ نظری و با استنادهای معتبر اقتصادی و اسلامی آزمون می‌شود.

«توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه از مؤلفه‌های مهم شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشند».

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، مفاهیم پایه و پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های داخلی و خارجی ارائه می‌شوند.

۲-۱. مفاهیم پایه

برای بیان بهتر مفهوم عدالت تعریف واژگانی و اصطلاحی عدالت در زیر به تفکیک بیان می‌شود.

• تعریف واژگانی عدالت

عدالت به معنای عدل است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) و در بین تعریف‌های ارائه شده درباره عدالت برخی عدالت را به معنای مساوات و برابری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)، برخی به معنای استقامت، یعنی راست و موزون بودن (الأزهری الهروی، ۲۰۰۱م) و برخی ضد ظلم و جور (فیومی، ۱۴۱۴ق) تعریف کرده‌اند. برخی نیز آن را به معنای به حق حکم کردن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) تعبیر کرده‌اند؛ یعنی به‌ازای کار خوب، جزای خوب و به‌ازای کار بد جزای بد داده می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق). برخی نیز بر این باورند که عدل میانه‌روی در امور است (فیومی، ۱۴۱۴ق) و عادل کسی است که همه‌چیز را در موضع خودش قرار دهد (طریحی، ۱۳۷۵). قرشی عدل را به برابری تعریف می‌کند و می‌گوید آنچه گفته‌اند از قبیل مثل، فدیة، ضدّ جور، همه از مصادیق معنای اول‌اند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴). شیخ طوسی نیز عدل و حق و انصاف را نظیر هم می‌داند و همچنین عدل را نقیض ظلم و جور تعریف می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۵).

• تعریف اصطلاحی عدالت

معانی مختلفی برای عدالت ذکر شده است؛ از جمله قرار دادن هر چیز در جای خودش و دادن حق هر صاحب‌حقی به او که گویی منبعث از کلام امیر مؤمنان (علیه‌السلام) است که فرمود: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۳)؛ عدالت امور را در جایگاه شایسته خود قرار می‌دهد و فرمود: «فَضَعُ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۴)؛ هر چیز

را در جای خودش قرار ده و هر کاری را در وقت خود انجام ده. همچنین در تعریف عدالت گفته شده است «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ»؛ عدالت به معنای دادن حق هر صاحب حقی به اوست که این عبارت نیز همان معنای سخن امیر مؤمنان می باشد. بنابراین، عادل کسی است که هر چیز را در موضعش قرار دهد.

علامه طباطبایی، در یک تعریف مشهور عدالت را چنین توصیف می کند: «و هی اعطاءُ کُلِّ ذی حقِّ مِنَ القویِّ حَقَّهُ وَ وَضَعُهُ فِی مَوْضِعِ الذی یَنْبَغِی لَهٗ وَ الْجَانِبَانِ فِیْهَا الظلم و الانظلام» (۱۳۹۳ق، ص ۳۷۱). عدالت آن است که حق هر قوه‌ای را به او بدهی و هر قوه‌ای را در جای خودش مصرف کنی و دو طرف افراط و تفریط عدالت عبارت می شود از ظلم و انظلام.

شهید مطهری در مجموع چهار معنا و یا چهار مورد استعمال برای عدالت ذکر می کند که عبارت اند از: «موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق هر صاحب حقی، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد» (۱۳۹۴، ص ۵۶) و معنای سوم را معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند اختیار می کند.

مرحوم شهید صدر، عدالت را یکی از سه اصل سیستم اقتصادی اسلامی برمی شمارد و آن را شامل دو اصل فرعی تکافل عمومی و توازن اجتماعی می داند و بر این باور است که توزیع در جامعه اسلامی قادر به محقق کردن عدالت می باشد (صدر، ۱۳۹۳، ص ۳۴۷).

به لحاظ فلسفی تعاریف گسترده و متفاوتی از عدالت شده است که در کل قابل دسته بندی به سه دسته اصلی می باشند؛ دسته اول شامل تعاریفی هستند که عدالت را قرار دادن هر چیز سر جای خود یا بهره بردن براساس استحقاق می دانند. این دسته از عدالت به نوعی می تواند منطبق با عدالت تخصیصی در اقتصاد باشد؛ دسته دوم تعاریفی هستند که عدالت را به نوعی به معنای برابری می گیرند. در واقع تعریفی از عدالت که در اقتصاد مقابل کارایی قرار می گیرد همین تعریف برابری است. این تعریف از عدالت منطبق با عدالت توزیعی در اقتصاد است؛ دسته سوم که بیشتر مبتنی بر تعریف رالزی از عدالت است، عدالت را به مثابه انصاف می داند. در این مفهوم حالتی عادلانه تر است که پایین ترین طبقه جامعه بیشترین رفاه را داشته باشد. در واقع در این حالت سطح عدالت فقط تابع رفاه پایین ترین سطح جامعه است. از آنجا که عدالت به مفهوم قرار دادن هر چیز در جای خود از جامعیت و عمومیت کافی برخوردار است و نیز با توجه به اینکه عدالت نقش محوری و مبنایی در نظام اجتماعی اسلام دارد، در این نوشتار به اشعار به این معنا عدالت به صورت زیر تعریف شده است:

«عدالت اقتصادی دادن حق هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه منابع،

امکانات و فرصت‌ها با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی قبل از تولید، در فرایند تولید و پس از تولید، می‌باشد».

البته اگر چه این تعریف عدالت توزیعی و عدالت رالزی را هم شامل می‌شود؛ ولی معیار جامعیت آن، قرار دادن هر چیز در جای خود است. اگر جای اشیا به لحاظ زمانی و مکانی درست تعیین شود، قرار دادن اشیا در جای خود، نه تنها با کارایی و رشد، تضاد و منافات ندارد؛ بلکه لازمه تحقق آن نیز هست. این مقاله براساس این تعریف از عدالت درصدد بیان شاخصی برای اندازه‌گیری میزان عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشد.

۲-۲. پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های داخلی

در ایران مطالعات گوناگونی در زمینه شاخص عدالت انجام شده است که در جدول زیر به اختصار بیان و مؤلفه‌های برگزیده برای تبیین شاخص عدالت مشخص شده است.

جدول ۱: پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های داخلی

مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	پژوهشگران
۱. سهم‌بری براساس میزان مشارکت در فرایند تولید؛ ۲. حق برخورداری برابر؛ ۳. توازن نسبی ثروت و درآمد؛ ۴. قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن	توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)
شاخص‌های نابرابری	بختیاری (۱۳۸۲)
۱. نیاز؛ ۲. کارآمدی؛ ۳. مسئولیت فردی	پيله‌فروش (۱۳۸۴)
۱. شاخص رفاه آمارتیا سن؛ ۲. شاخص توسعه انسانی؛ ۳. شاخص اتلاف	عیوضلو (۱۳۸۶)
۱. برابری؛ ۲. قیمت بازاری؛ ۳. حد کفاف؛ ۴. اعتدال عرفی؛ ۵. بهره‌وری؛ ۶. اسراف	رجایی و معلمی (۱۳۹۰)
۱. شاخص نسبت خانواده‌های در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها؛ ۲. شاخص‌های نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان؛ ۳. شاخص نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه	رجایی (۱۳۹۲)
۱. حق مالکیت مشروع (نقض مالکیت)؛ ۲. حق مبادله مشروع (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی)؛ ۳. حق سهم‌بری عادلانه از تولید؛ ۴. حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی؛ ۵. حق دسترسی عموم به منابع عمومی؛ ۶. حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی؛ ۷. حق استفاده بهینه از اموال	سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵)

مآخذ: گردآوری پژوهش

در این میان تنها برخی به محاسبه شاخص پرداخته‌اند؛ از جمله پيله‌فروش (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن (مطالعه موردی: استان قزوین)» با بیان اینکه نظریه مناسب درباره عدالت باید هر سه معیار نیاز، کارآمدی و مسئولیت فردی را داشته باشد، معتقد است که این نظریه باید با توجه به زمینه و موقعیت فرهنگی و

اجتماعی ارائه شود. وی نمونه موردی برخی از شاخص‌های عدالت و شاخص ترکیبی آن را در استان قزوین محاسبه کرده است.

عیوضلو (۱۳۸۶) در طرح تحقیقاتی خود با عنوان «شاخص‌های عدالت اقتصادی» معتقد است که نگاه صرفاً توزیعی به عدالت منعکس‌کننده تمام واقعیت عدالت اقتصادی نیست و ما را در ارزیابی عدالت اقتصادی به اشتباه می‌اندازد و ممکن است توزیع عادلانه فقر را جایگزین مفهوم عدالت اقتصادی کنیم. وی بر این باور است که به منظور دوری از این اشتباه ضروری است به نحوی معیار کارایی را نیز در ارزیابی‌های عدالت اقتصادی وارد کنیم. افزون‌براین، وی شاخص ترکیبی نسبی عدالت اقتصادی را به صورت حاصل جمع درصدی از میزان بهبود نسبی شاخص رفاه آمارتیا سن و شاخص توسعه انسانی و معکوس روند اندازه شاخص اتلاف پیشنهاد کرده است.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلام در ایران» با هدف معرفی شاخص ترکیبی جدید برای عدالت اقتصادی، مؤلفه‌هایی را معرفی و برای محاسبه آنها نماگرهایی را معین کرده‌اند که در جدول ۱ آورده شده است. آنها با تکیه بر روش دلفی دومرحله‌ای نخبگان، به وزن‌دهی مؤلفه‌های مورد نظر پرداخته و براساس شاخص به دست آمده عدالت اقتصادی ایران را در دهه ۸۰ مورد محاسبه قرار داده‌اند و این نتیجه را گرفته‌اند که روند شاخص کل با شیب بسیار اندکی نزولی بوده است.

۲-۳. پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های خارجی

عدالت در زمره آن دسته از مسائل است که تقریباً در آثار و عقاید تمامی مکاتب به آن اشاره شده است. از آنجاکه اشاره به همه آنها از حیث هدف این نوشتار، نه مفید است و نه اساساً امکان‌پذیر؛ از این‌رو در این قسمت مطالعاتی بررسی می‌شوند که جنبه سنجش عدالت - از جهات گوناگون - دارند. شاخص‌های عدالت موجود در ادبیات رایج اقتصاد را می‌توان به دو دسته کلی تفکیک کرد: شاخص‌های عدالت توزیعی^۱ که به‌طور عمده در دو دسته شاخص‌های فقر^۲ و نابرابری^۳ جای می‌گیرند و شاخص‌های عدالت بخشی که به بخش‌های خاص مانند عدالت مالیاتی یا عدالت بین نسلی در منابع طبیعی اشاره می‌کنند. مطالعات انجام شده به اختصار در جدول زیر دیده می‌شود.

1. Distributive Justice

2. Poverty Indexes

3. Inequality Indexes

جدول ۲: پیشینه علمی شاخص عدالت اقتصادی در مطالعه‌های خارجی

مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	پژوهشگران
شاخص‌های نابرابری	اتکینسون (۱۹۷۰)، آلینگهام (۱۹۷۲)، چمپرین (۱۹۷۴)، کاکوانی (۱۹۷۵)، بروکمن (۱۹۸۵)، لیتچفیلد (۱۹۹۹) و ...
شاخص‌های فقر	سن (۱۹۷۶)، تاکایاما (۱۹۷۹)، کلارک (۱۹۸۱)، توربک، فوستر و گریپر (۱۹۸۷)، اتکینسون (۱۹۸۷)، چلی و لیمی (۱۹۹۵)، للی (۲۰۰۱) و قزلباش (۲۰۰۲) و ...
۱. امید به زندگی در پایان یک سالگی؛ ۲. نرخ مرگ‌ومیر کودکان؛ ۳. نرخ باسوادی	موریس (۱۹۷۹)
۱. امید به زندگی؛ ۲. میزان دانش؛ ۳. تولید ناخالص داخلی	سازمان ملل (۱۹۹۰)
۱. برابری فرصت‌ها؛ ۲. دریافت نیازها؛ ۳. پاداش براساس کارایی؛ ۴. پاداش براساس توانایی	کلونگل و ماتجو (۱۹۹۵)
آموزش و رشد استعدادها	آنترهالتر (۲۰۰۵)
میزان امید به زندگی به‌عنوان شاخص بهداشت	بلیچرودت و درسلیپر (۲۰۰۶)
۱. پاداش حقیقی؛ ۲. پاداش عادلانه	جاسو (۲۰۰۷)
۱. پیشگیری از فقر؛ ۲. آموزش و پرورش؛ ۳. کار؛ ۴. جبران عمومی؛ ۵. توزیع درآمد؛ ۶. عدالت بین‌نسلی؛ ۷. تبعیض.	مرکل و جیبیلر (۲۰۰۹)
۱. نگهداری درآمد؛ ۲. کار سخت؛ ۳. انتقال ثروت؛ ۴. سهم‌های مساوی؛ ۵. نیازها؛ ۶. خانواده	اسمیث (۲۰۱۰)
۱. پیشگیری از فقر؛ ۲. دسترسی به آموزش؛ ۳. ورود به بازار کار؛ ۴. انسجام اجتماعی و عدم تبعیض؛ ۵. سلامت؛ ۶. عدالت بین‌نسلی	اسچراد تیچلر (۲۰۱۱)
۱. عدالت توزیعی؛ ۲. عدالت عملکرد؛ ۳. فرصت‌های برابر؛ ۴. برابری درآمد؛ ۵. عدالت رویه‌ای؛ ۶. عدالت بین‌نسلی	انسته و ویس (۲۰۱۳)
۱. مالکیت عمومی در کالاهای تولیدی؛ ۲. برابری اجتماعی کامل مردم؛ ۳. توسعه همه‌جانبه هر فرد؛ ۴. جاری شدن منابع ثروت اجتماعی؛ ۵. کار به‌عنوان ضرورت حیاتی واجب	کورنینکو و سیریامکینا (۲۰۱۵)
۱. پیشگیری از فقر؛ ۲. دسترسی عادلانه به آموزش؛ ۳. مشارکت در بازار کار؛ ۴. انسجام اجتماعی و برابری؛ ۵. عدالت بین‌نسلی	کادر و پودرافک (۲۰۱۵)
۱. پیشگیری از فقر؛ ۲. دسترسی به آموزش؛ ۳. ورود به بازار کار؛ ۴. انسجام اجتماعی و عدم تبعیض؛ ۵. سلامت؛ ۶. عدالت بین‌نسلی	اسچراد تیچلر و اسپیلر (۲۰۱۷)

مأخذ: گردآوری پژوهش

تنها در برخی از این مطالعات، شاخص پیشنهاد شده، محاسبه شده‌اند که از جمله آنها مطالعات زیر است:

مرکل و جیبیلر (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش عدالت اجتماعی و حاکمیت پایدار در OECD» ضمن بیان دو اصل اساسی «توزیع برابر کالاهای اولیه» و «فرصت‌های برابر در توسعه

توانایی‌ها" برای عدالت هفت بعد را برمی‌شمارند که برای محاسبه شاخص عدالت باید بدان‌ها توجه کرد که عبارت‌اند از: پیشگیری از فقر، آموزش و پرورش، کار، جبران عمومی، توزیع درآمد، عدالت بین‌نسلی و تبعیض (Merkel & Giebler, 2009, p.87).

انسته و ویس (۲۰۱۳) در نوشتاری با عنوان «دیده‌بانی عدالت بین‌المللی ۲۰۱۳» با بیان اینکه شاخص عدالت برای سنجش عدالت در یک کشور استفاده می‌شود، شاخصی ترکیبی برای محاسبه عدالت ارائه داده‌اند که شامل شش بعد از عدالت یعنی عدالت توزیعی، عدالت عملکرد، فرصت‌های برابر، برابری درآمد، عدالت رویه‌ای و عدالت بین‌نسلی می‌شود (Enste & Wies, 2013, p16).

کادر و پودرافک (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌سازی و عدالت اجتماعی در کشورهای OECD» به محاسبه شاخصی ترکیبی برای عدالت اجتماعی پرداخته‌اند که مبتنی بر پنج زیرشاخص پیشگیری از فقر، دسترسی عادلانه به آموزش، مشارکت در بازار کار، انسجام اجتماعی و برابری، و عدالت بین‌نسلی می‌باشد (Kauder & Potrafke, 2015, p8).

اسچراد تیچلر و اسپیلر (۲۰۱۷) در گزارشی با عنوان «عدالت اجتماعی در اروپا-گزارش شاخص ۲۰۱۷» شاخصی ترکیبی از عدالت اجتماعی ارائه داده‌اند. این شاخص متشکل از شش شاخص پیشگیری از فقر، آموزش عادلانه، دسترسی به بازار کار، انسجام اجتماعی و عدم تبعیض، سلامت و عدالت بین‌نسلی می‌باشد (Schraad-Tischler & Schiller, 2017, p146-149).

نوآوری این پژوهش ارائه تعریفی گسترده از عدالت اقتصادی و همچنین کوشش در تدوین شاخصی است که براساس آن بتوان دیدگاه‌های متمایز و پراکنده در زمینه عدالت اقتصادی را سامان داد و معیاری یکسان برای سنجش میزان عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی ارائه کرد. وجه تمایز شاخص ترکیبی پیشنهادی، ترکیب مؤلفه‌های «توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها»، «توجه به حق منابع و عوامل تولید»، «توجه به حق نسل‌های آینده»، «سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت»، «بازتوزیع درآمد و ثروت» و «توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه» می‌باشد. گرچه در برخی از مطالعات از بعضی از این شاخص‌ها استفاده شده است، ولی به نظر می‌رسد ترکیب همه این شاخص‌ها با هم، انعکاس‌دهنده‌ی بهتری از وضعیت عدالت در یک کشور باشد که این مهم در این نوشتار صورت گرفته است.

مزیت دیگر این تحقیق، برآورد سری زمانی برای شاخص عدالت برای ایران در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۴ است که بررسی عملکرد کشور بر محور عدالت در طول سال‌های دوره مورد بررسی را امکان‌پذیر می‌کند.

۳. مراحل ایجاد شاخص ترکیبی

برای توسعه شاخص‌های ترکیبی، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است^۱ که به‌طور عمده، دارای مراحل مشابهی هستند؛ اما در این تحقیق از روش OECD به‌دلیل جامعیت آن استفاده می‌شود که دارای مراحل زیر می‌باشد:

۳-۱. ایجاد چارچوب نظری

تعیین یک چارچوب نظری دقیق، نقطه آغاز در ساختن شاخص‌های ترکیبی است. این چارچوب باید آشکارا پدیده‌ای را تعریف کند که باید مورد ارزیابی قرار بگیرد و زیربخش‌ها و شاخص‌های منحصر به فرد انتخابی و وزن‌هایی را مشخص نماید که منعکس‌کننده درجه اهمیت نسبی هر یک از زیربخش‌ها هستند و ابعاد ترکیب کلی را نشان می‌دهند. فعالیت‌هایی که در این مرحله باید انجام بگیرد عبارت‌اند از: تعریف مفهوم، تعیین زیرگروه‌ها و شناسایی معیارهای انتخابی (OECD, 2008, P12-13). برای تعریف شاخص عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی باید توجهی ویژه به مفاهیم عدالت از دیدگاه اسلام و آموزه‌های اقتصادی آن شود.

دین اسلام، بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوان دارد و شاید بتوان کارکرد نظام اقتصادی اسلام را برقراری عدالت اقتصادی به معنای موسع آن عنوان کرد. در این راستا شاید بتوان یک نظریه خاص را به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش پذیرفت؛ از این رو با تلفیق منطقی چند نظریه و قضایا و گزاره‌های منسجم، نوعی چارچوب نظری ترکیبی یا تلفیقی انتخاب می‌شود که از انسجام درونی و نظری لازم برخوردار باشد بنابراین چارچوب نظری ترکیبی نوشتار پیش رو در زمینه عدالت اقتصادی بر پایه‌های نظری زیر استوار است:

عدالت در قلمرو زندگی انسان به‌طور کلی در چارچوب درون‌نسلی و بین‌نسلی موضوعیت می‌یابد.

الف) عدالت درون‌نسلی

برای بیان نظریه‌ای که جامعیت داشته باشد، بر مبنای نظریه شهید صدر که قائل به این معناست که عدالت اسلامی در نظریه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف به‌عنوان مراحل چرخه فعالیت اقتصادی قابل ردیابی است و اینکه نظریه عدالت اسلامی، با توسعه منظر ورود به مقوله توزیع، آن را در گستره وسیع توزیع ثروت، از توزیع منابع مادی تولید تا توزیع ثروت‌های تولید شده شامل

۱. ر.ک: گارسیا، استاپلس و چسون (Garcia, Staples & Chesson, 2000)، اونسل و همکاران (Onsel & et al, 2008) و زو و انگ (Zhou & Ang, 2009).

می‌شود (صدر، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۸۱)؛ عدالت در چارچوب درون‌نسلی به مراحل تولید اقتصادی مربوط می‌شود. مرحله قبل از تولید، مرحله تولید و مرحله بعد از تولید که با توجه به تعریف ارائه شده از عدالت، باید برای هرکدام از این مراحل شاخص مناسب تعریف و محاسبه کرد.

نخست، مرحله قبل از فرایند تولید شامل ویژگی‌های ذاتی، نظام اجتماعی، ویژگی‌های اکتسابی (بروز استعدادها) و توزیع منابع طبیعی (نهادهای تولید) است. بدین ترتیب می‌توان گفت که بحث در مورد عدالت قبل از فرایند تولید، اشاره‌ای به وجود عدالت در قابلیت‌های افراد و جوامع مختلف دارد و باید توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها مد نظر قرار بگیرد.

شهید مطهری با بیان فرق بین تبعیض و تفاوت، به تساوی در فرصت‌ها و امکانات اشاره می‌کند: فرق است میان تبعیض و تفاوت، همچنان‌که در نظام تکوینی جهان تفاوت هست و این تفاوت‌هاست که به جهان، زیبایی، تنوع، پیشروی و تکامل بخشیده است؛ اما تبعیض نیست. مدینه فاضله اسلامی مدینه ضد تبعیض است نه ضد تفاوت. جامعه اسلامی جامعه تساوی‌ها و برابری‌ها و برادری‌هاست؛ اما نه تساوی منفی؛ بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی به شمار نیابردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری؛ تساوی مثبت یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۲)؛

دوم، عدالت در مرحله تولید را می‌توان از چند منظر بررسی کرد: نخستین منظر بحث در مورد نحوه استفاده از عوامل در فرایند تولید است. در اندیشه اسلامی می‌توان خطوط کلی این رویکرد از عدالت را در آموزه‌های اسلامی به‌دست آورد؛ مانند «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...»؛ اموالتان را که خداوند مایه قوام [و تأمین زندگی] شما قرار داده به ابلهان ندهید... (نساء، ۵). برداشت اولیه اقتصادی از آیه شریفه، لزوم بهره‌برداری بهینه از اموال می‌باشد؛ یعنی باید از اموال به بهترین نحو استفاده کرد و نباید آنها را در اختیار کسانی قرار داد که از آنها استفاده صحیح و بهینه نمی‌کنند؛ به دیگر سخن، استفاده غیرعقلانه و غیربهینه از اموال که موجب قوام اقتصاد جامعه است ممنوع می‌باشد یا بیان نورانی حضرت امام زین‌العابدین (علیه السلام) در رساله حقوق که در حقوق اموال فرمودند: «أما حقُّ دارایی این است که آن را جز از راه حلال به‌دست نیاوری و جز به راه حلالش صرف نکنی و آن را بیجا خرج نکنی و از راه‌های درستش به نادرست منتقل نسازی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۷). برای عادلانه بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نشود تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و...) به صورت بهینه استفاده کرد؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را افزایش داد؛ همان‌طور که امام صادق (علیه السلام)

می فرمایند: «از جمله عوامل بقای مسلمانان و اسلام آن است که اموال نزد کسانی قرار گیرد که حق مال (و مال داری) را بدانند و کار نیک کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵)؛

سوم، مرحله پس از فرایند تولید است. در این مرحله سه مطلب بسیار مهم بررسی می شود؛ نخست، توزیع عادلانه درآمد؛ دوم مصرف عادلانه و سوم سطح رفاه جامعه. در این زمینه آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نیازمندان جامعه در اموال ثروتمندان حق دارند.^۱ بنابراین یکی از مؤلفه های برقراری عدالت، سهم بری عوامل تولید بر اساس استحقاق ها و میزان مشارکت می باشد. جامعه اسلامی جامعه طبیعی است نه جامعه تبعیضی و نه جامعه تساوی منفی، از این رو انسان ها به میزان فعالیتی که انجام می دهند و نیز نیازهایی که دارند، مستحق دریافت می باشند.

مؤلفه دیگر بازتوزیع درآمد و ثروت است. مقصود از بازتوزیع درآمد و ثروت، سیاستی است که بر اساس آن، دولت پس از انجام تلاش های اقتصادی توسط افراد جامعه و تولید ثروت توسط آنها، بخشی از درآمد و ثروت ثروتمندان را از آنان بگیرد و بین نیازمندان توزیع می کند. در اسلام آیات و روایات فراوانی در مورد توزیع مجدد درآمد و ثروت و اینکه بخشی از دارایی ثروتمندان حق نیازمندان است وجود دارد، از جمله بیان نورانی امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی ثروتمندان و فقیران را در اموال شریک هم قرار داده است؛ بنابراین اغنیا حق ندارند اموال را به غیر شرکای خود بدهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۵) که با توجه به همین روایت امام خمینی این گونه می نویسند: «مگر نه این است که مال مورد شرکت مشاع است، پس فقرا در مال اغنیا شرکت دارند. کسی که حقوق مالی خود را پرداخت نکرده است، سهمی که می بایست پرداخت کند، به صورت مشاع در دست اوست و در صورت عدم پرداخت، به صورت تصاعدی افزایش پیدا می کند تا آنجا که اگر کلیه اموالشان را هم بدهند، باز بدهکارند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۳۰۳). با توجه به آنچه ذکر شد اگر در جامعه ای نیازمند وجود داشته باشد، قطعاً دستورات اسلام به خوبی اجرا نشده است و به تبع آن عدالت آن گونه که باید و شاید جاری نشده است.

مؤلفه سوم توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه است. در تعالیم اسلامی عدالت و رفاه در کنار هم و از نیازمندی های همه مردمان به شمار می رود^۲ و نتیجه عدالت، جامعه همراه با رفاه معرفی می شود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) درباره کوفه پس از برقراری عدالت می فرمایند: «هیچ کس در کوفه نیست که زندگی او سامانی نیافته باشد، پایین ترین افراد نان گندم می خورند و خانه دارند و از بهترین آب آشامیدنی استفاده می کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷). به دیگر سخن، به

۱. ر. ک: حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۵۰.

۲. ر. ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۰.

بیان روایات توسعه و گشایش در زندگی مردم،^۱ چند برابر شدن برکات^۲ و آبادانی کشورها^۳ که همگی زمینه‌ساز برقراری رفاه در جامعه می‌باشند، در گرو برقراری عدالت است و از سوی دیگر در جایی که عدالت برقرار نباشد، آبادانی پدید نخواهد آمد؛^۴ یعنی تنها در جایی که عدالت برقرار باشد، رشد و توسعه و رفاه و آبادانی به‌طور کامل محقق می‌شود.

ب) عدالت بین نسلی

ابعاد گوناگون عدالت که تاکنون در مورد آنها بحث شد مربوط به عدالت درون نسلی است؛ ولی برای ایجاد شاخص ترکیبی جامع بیان‌کننده عدالت اقتصادی، باید حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود که تبلور آن در نحوه استفاده از منابع طبیعی است و با گزاره «موهبت‌های طبیعی به همه نسل‌ها تعلق دارد» مورد توجه قرار می‌گیرد.

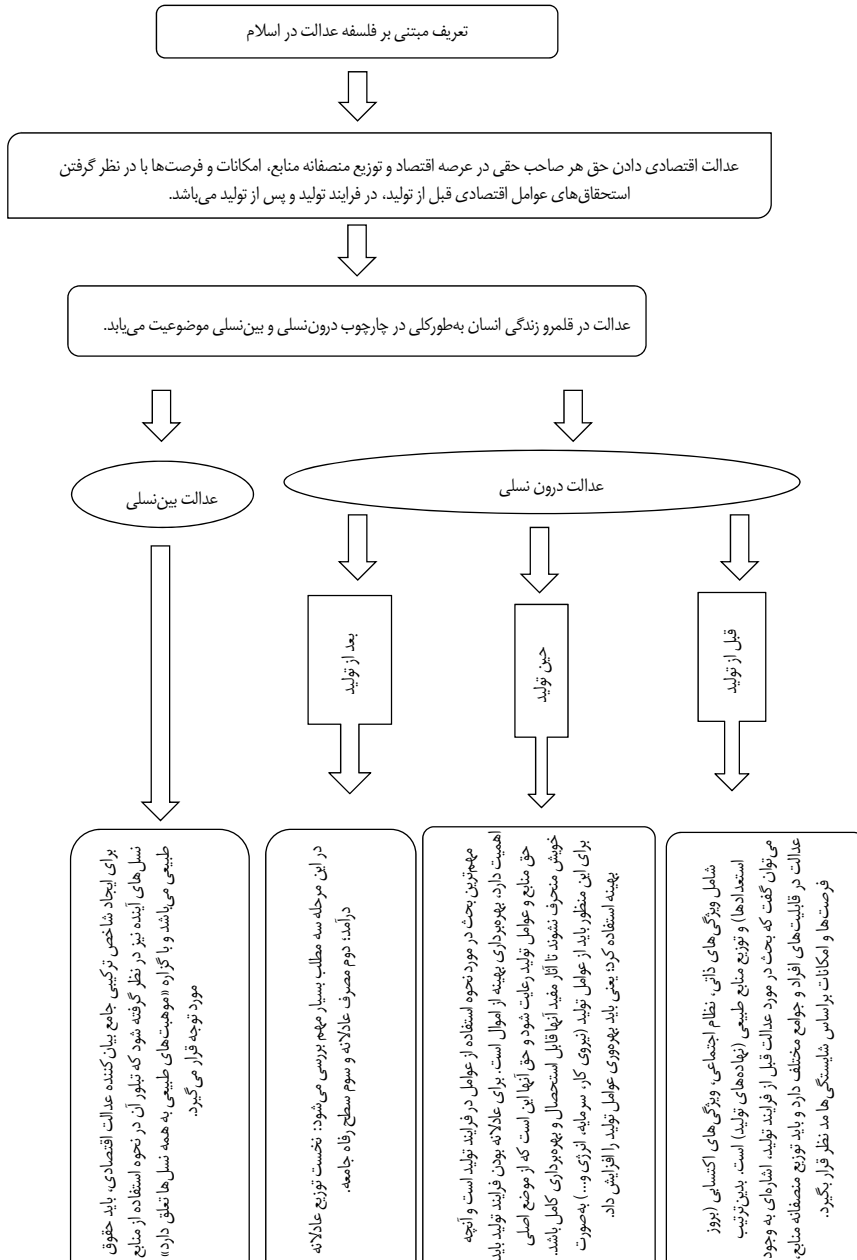
در نگاه اسلام، همان‌طور که افراد گوناگون در درون یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت براساس عدالت، مورد امضای شارع قرار گرفته است، افراد نسل‌های گوناگون نیز در این مسئله از فرصت‌های یکسان برخوردارند و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد (فراهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). آنچه این بُعد از چارچوب نظری تلفیقی درباره عدالت اقتصادی را با رویکردی اسلامی تقویت می‌کند، این سخن امام کاظم علیه السلام است که فرمود: **لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنُوا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۲)**؛ گویی نیازمندی نسل‌های بعدی به سبب محرومیت از برخی منابع طبیعی، دلیل بر عادلانه نبودن رفتار نسل فعلی در استفاده از منابع طبیعی است. به‌ترتیب استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، مشروط به حفظ محیط‌زیست و رعایت حقوق نسل‌های آینده می‌باشد و هدف متعالی اسلام، برخوردار کردن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی است. آنچه بیان شد به اختصار در نمودار زیر نشان داده شده است.

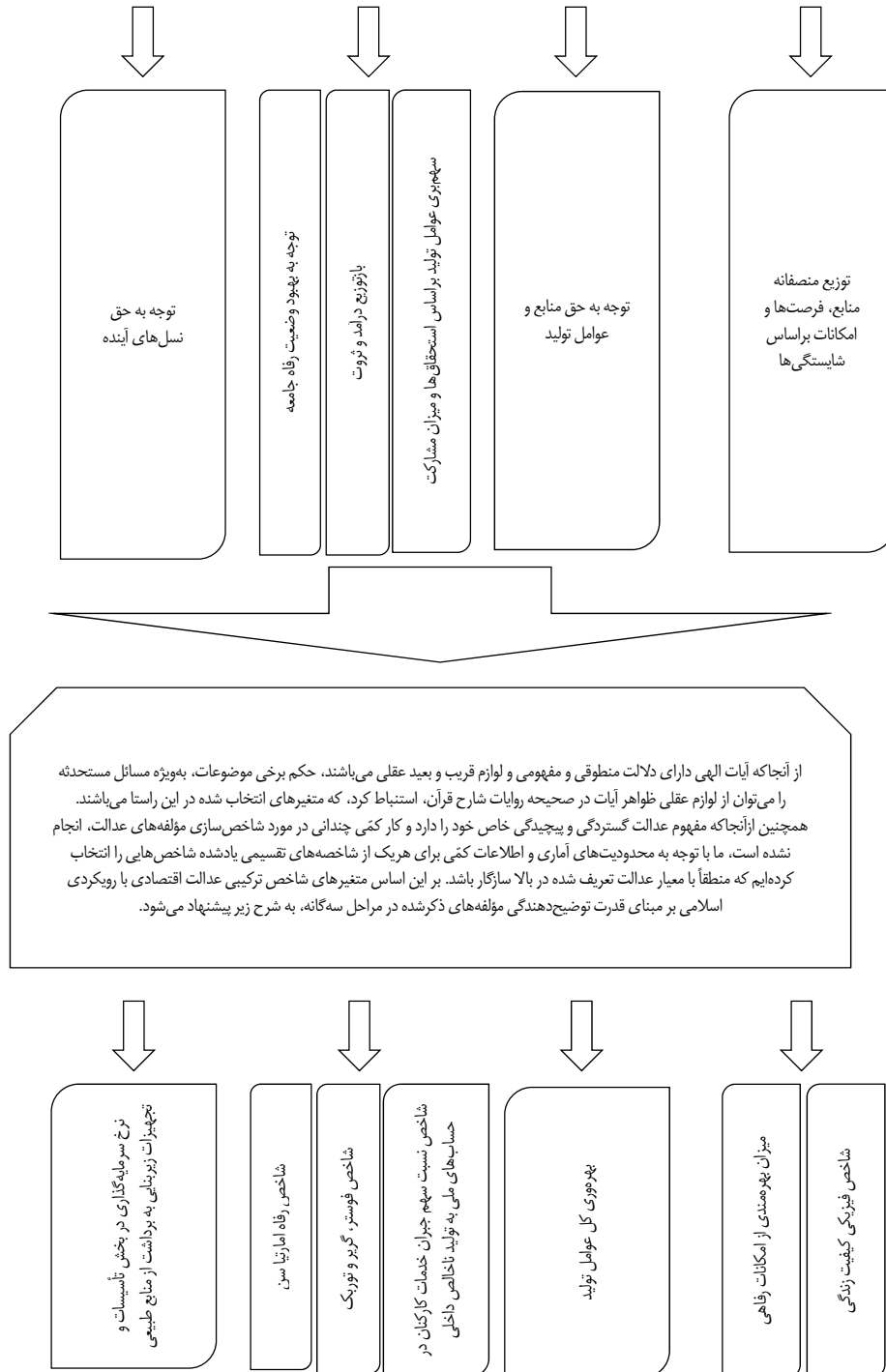
۱. قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فِي الْعَدْلِ سَعَةٌ (شريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۵۷).

۲. قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بِالْعَدْلِ تَتَصَاعَفُ الْبَرَكَاتُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶).

۳. قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَا عَمَزَتِ الْبِلَادُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۲۰).

۴. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: لَا يَكُونُ الْعِمْرَانُ حَيْثُ يَجُوزُ السُّلْطَانُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۸).





۳-۲. انتخاب متغیرها

قوت و ضعف شاخص‌های ترکیبی به‌طور عمده از کیفیت متغیرهای اساسی حاصل می‌شود. در حالت مطلوب، متغیرها باید براساس معیارهایی همچون مرتبط بودن، قابلیت تحلیل داشتن، بروز بودن، قابل دسترس بودن و غیره انتخاب شوند. در حالی که انتخاب شاخص‌ها باید توسط چارچوب نظری ترکیبی هدایت شوند، فرایند انتخاب داده‌ها می‌تواند کاملاً ذهنی باشد؛ زیرا ممکن است مجموعه‌ای از شاخص‌های قطعی وجود نداشته باشد (OECD, 2008, P13). از آنجاکه آیات الهی دارای دلالت منطوقی و مفهومی و لوازم قریب و بعید عقلی می‌باشند، حکم برخی موضوعات، به‌ویژه مسائل مستحدثه را می‌توان از لوازم عقلی ظواهر آیات در صحیح روایات شارح قرآن استنباط نمود که متغیرهای انتخاب شده در این راستا می‌باشند. همچنین از آنجاکه مفهوم عدالت گستردگی و پیچیدگی خاص خود را دارد و کار کمی‌چندانی در مورد شاخص‌سازی مؤلفه‌های عدالت انجام نشده است، ما با توجه به محدودیت‌های آماری و اطلاعات کمی برای هر یک از شاخص‌های تقسیمی یادشده شاخص‌هایی را انتخاب کرده‌ایم که منطقی‌تر با معیار عدالت تعریف شده در بالا سازگار باشند. براین اساس متغیرهای شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی بر مبنای قدرت توضیح‌دهندگی مؤلفه‌های ذکر شده در مراحل سه‌گانه، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود.

۳-۲-۱. شاخص توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها

مرحله قبل از فرایند تولید شامل ویژگی‌های ذاتی، نظام اجتماعی، ویژگی‌های اکتسابی (بروز استعدادها) و توزیع منابع طبیعی (نهادهای تولید) می‌باشد؛ بدین ترتیب می‌توان گفت که بحث درباره عدالت قبل از فرایند تولید، اشاره‌ای به وجود عدالت در قابلیت‌های افراد و جوامع مختلف دارد؛ از این‌رو برای تبیین وضعیت عدالت در مرحله، پیش از تولید از «شاخص فیزیکی کیفیت زندگی»^۱ استفاده می‌شود که بر امید به زندگی در پایان یک‌سالگی،^۲ نرخ مرگ‌ومیر کودکان^۳ و نرخ باسوادی^۴ مبتنی می‌باشد (Morris, 1979, p3).

موریس سواد را با جمعیت بالای ۱۵ سال تعریف می‌کند که قادر به خواندن و نوشتن هستند؛ از این‌رو برای به‌دست آوردن نرخ باسوادی باید افراد باسواد بالای ۱۵ سال را به تعداد افراد بالای ۱۵ سال تقسیم کرد. در شاخص فیزیکی کیفیت زندگی عملکرد هر مؤلفه از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

1. Physical quality-of-life index

2. life expectancy at age one

3. infant mortality

4. basic literacy rate

$$\text{شاخص ابعادی} = \frac{\text{حداقل مقدار} - \text{مقدار واقعی}^1}{\text{مقدار حداکثر}} \times 100$$

دلیل چنین تعریفی از شاخص‌های ابعادی این است که هرکدام از عناصری که در شاخص فیزیکی کیفیت زندگی لحاظ شده‌اند، واحدهای متفاوتی دارند. امید به زندگی بر حسب سال و نرخ مرگ‌ومیر کودکان و همچنین نرخ باسوادی بر حسب درصد می‌باشند. با شاخص‌بندی این متغیرها به شکلی که ذکر شد، متغیرها مستقل از واحد و استاندارد می‌شوند و یک عدد خالص به دست می‌آید.

همان‌طور که در فرمول شاخص‌های ابعادی ملاحظه می‌شود برای ابعاد شاخص‌های شاخص فیزیکی کیفیت زندگی مقادیر حداقل و حداکثر نیز معرفی شده است. هرکدام از این شاخص‌ها در یک مقیاس ثابت ۱ تا ۱۰۰ است. بدترین (=۱) براساس تجربه تاریخی تعیین می‌شود و بهترین (=۱۰۰) در شرایطی معین می‌شود که در نیم‌قرن آینده یا بیشتر به دست می‌آید. این حداقل‌ها و حداکثرها به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود.

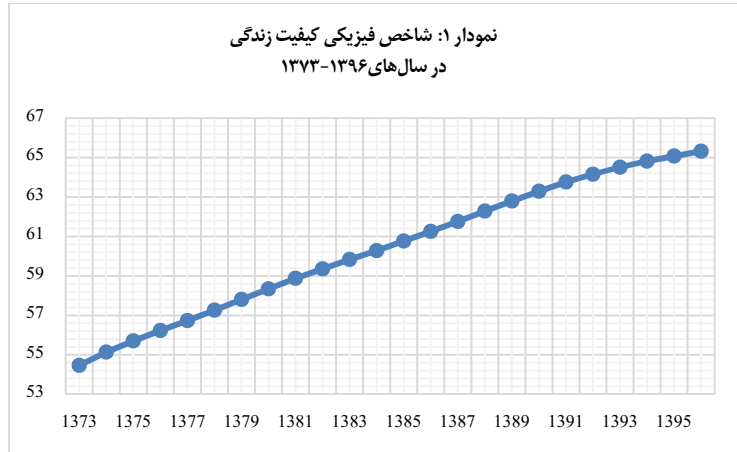
شاخص	حداقل	حداکثر
امید به زندگی در بدو تولد (سال)	۳۸	۷۷
نرخ باسوادی ۱۵ سال و بالاتر (درصد)	۰	۱۰۰
نرخ مرگ‌ومیر کودکان در هر ۱۰۰۰ کودک (درصد)	۷	۲۳۹

شاخص فیزیکی کیفیت زندگی به کمک رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{شاخص فیزیکی کیفیت زندگی} = \frac{\text{نرخ باسوادی} + \text{نرخ مرگ و میر کودکان} + \text{امید به زندگی}}{۳}$$

آمار مربوط به امید به زندگی در بدو تولد و نرخ مرگ‌ومیر کودکان در هر ۱۰۰۰ کودک از مجموعه بانک جهانی برداشت شده است و برای نرخ باسوادی از شاخص آموزش (تحصیلات) ارائه شده توسط سازمان ملل استفاده شده است. روند شاخص فیزیکی کیفیت زندگی با توجه به آمار یادشده در نمودار زیر قابل مشاهده است:

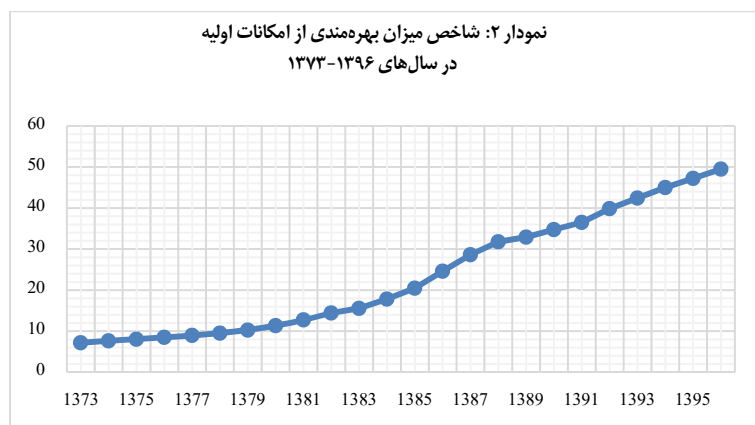
۱. البته در نرخ مرگ‌ومیر کودکان مقدار حداکثر منهای مقدار واقعی می‌شود.



مأخذ: محاسبات پژوهش

شاخص دیگری که می‌تواند مکمل توضیح‌دهندگی وجود عدالت در مرحله پیش از تولید باشد، «شاخص بهره‌مندی از امکانات اولیه رفاهی» است. این شاخص بیان‌کننده میزان بهره‌مندی از آب، برق، گاز، تلفن ثابت، تلفن همراه و اینترنت می‌باشد. توزیع نابرابر عوامل تولید و امکانات اولیه طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد؛ بنابراین باید قبل از تولید به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد، عوامل تولید و امکانات اولیه به صورت عادلانه میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع شود.

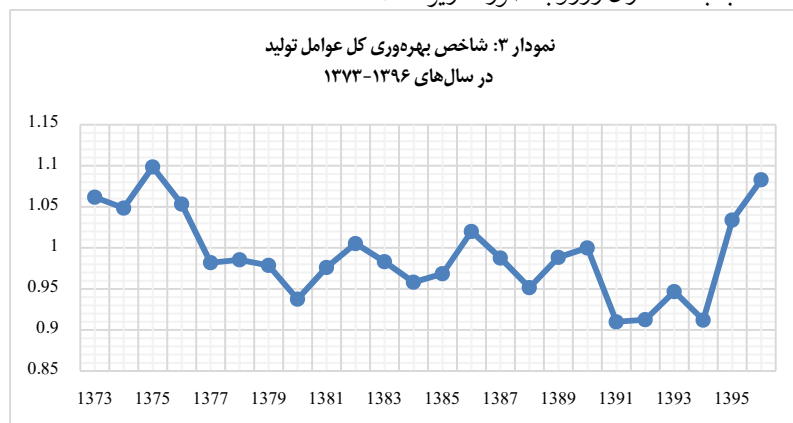
روند شاخص بهره‌مندی از امکانات اولیه رفاهی با استفاده از آمار بانک جهانی، مرکز آمار ایران و آمارهای دریافتی از وزارت نیرو در نمودار ۲ تصویر شده است:



مأخذ: محاسبات پژوهش

۳-۲-۲. شاخص توجه به حق منابع و عوامل تولید

همان‌گونه که بیان شد برای عادلانه بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نشود تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و...) به صورت بهینه استفاده کرد؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را بیشینه کرد. میزان بهره‌وری را می‌توان به کمک شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)^۱ اندازه‌گیری کرد. با توجه به اینکه بهره‌وری بیان‌کننده رابطه ستانده‌ها و نهاده‌ها در فرایند تولید می‌باشد، با افزایش بهره‌وری به‌ازای نهاده‌های موجود در اقتصاد ارزش افزوده بیشتری ایجاد و در نتیجه درآمد بیشتری فراهم می‌شود و بین عوامل تولید توزیع می‌گردد. در واقع، بهبود بهره‌وری به بهبود استانداردهای زندگی منجر می‌شود (بانک مرکزی، ۱۳۸۹، ص ۳). روند کاهشی بهره‌وری به معنای تحقق نیافتن رشد قابل حصول و استفاده غیراصولی از منابع و اتلاف آن می‌باشد. توجه نکردن به این واقعیت‌ها ما را در ارزیابی میزان تحقق عدالت در کشور به ارزیابی غیرواقعی دچار می‌کند (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲). روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید طبق محاسبه بانک فدرال رزرو به صورت زیر است:



مأخذ: محاسبات بانک فدرال رزرو^۲

همان‌طور که در نمودار ۳ ملاحظه می‌شود، بهره‌وری در مجموع طی دو دهه گذشته نه تنها رشد نداشته است، بلکه تنزل هم پیدا کرده است و این بیان‌کننده آن است که در سال‌های اخیر استفاده از

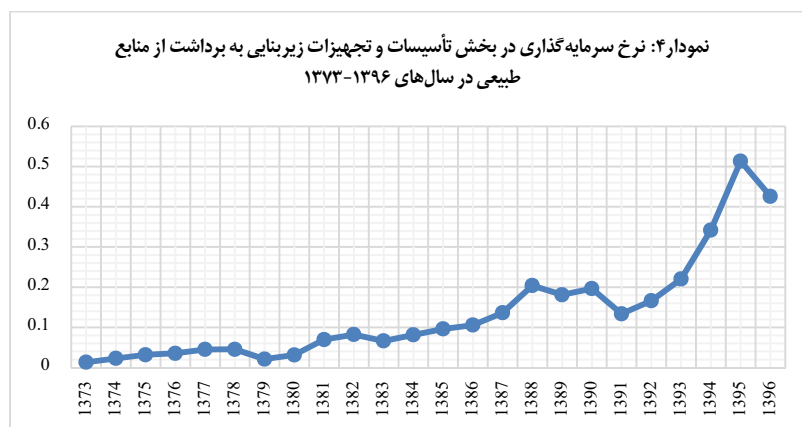
1. Total Factorial Productivity

2. University of Groningen and University of California, Davis, Total Factor Productivity at Constant National Prices for Islamic Republic of Iran [RTFPNAIRA632NRUG], retrieved from FRED, Federal Reserve Bank of St. Louis; <https://fred.stlouisfed.org/series/RTFPNAIRA632NRUG>, July 10, 2019.

منابع با ارزش اقتصادی وضع بدی به خود گرفته است و گویی بخش‌های نامولد بر کل اقتصاد سیطره پیدا کرده‌اند.

۳-۲-۳. شاخص توجه به حق نسل‌های آینده

استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، هنگامی که همراه با حفظ محیط زیست و رعایت حقوق نسل‌های آینده باشد، مورد تأیید است و هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی است؛ یعنی نه رفاه نسل حاضر به دلیل برقراری رفاه نسل‌های بعد، تحت الشعاع قرار بگیرد و نه رفاه نسل‌های آینده به دلیل رفاه نسل حاضر کاهش یابد؛ از این رو نسل حاضر باید بتواند در عین استفاده از منابع طبیعی، حداقل به همان میزان، دیگر سرمایه‌ها را پدید آورد تا عدالت مراعات شده باشد؛ یعنی هم خود بهره‌مند شود و هم برای نسل‌های آینده میراثی به جای گذارد. بنابراین لازم است درآمدهای حاصل از منابع طبیعی پایان‌پذیر را در امور زیربنایی سرمایه‌گذاری نماید و مخارج مصرفی خود را از بازدهی آن سرمایه‌گذاری‌ها تأمین کند. با این مقدمه به نظر می‌رسد شاخص «نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی» بیان‌کننده مناسبی برای سنجش میزان رعایت عدالت در این عرصه باشد. برای محاسبه این شاخص میزان پرداخت‌های عمرانی دولت را بر ارزش ریالی میزان برداشت از منابع طبیعی که شامل بهره‌برداری از نفت و گاز، مواد معدنی، جنگل و ذغال سنگ می‌شود تقسیم می‌کنیم. روند شاخص به‌دست آمده به کمک آمارهای بانک جهانی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نمودار ذیل ارائه شده است:



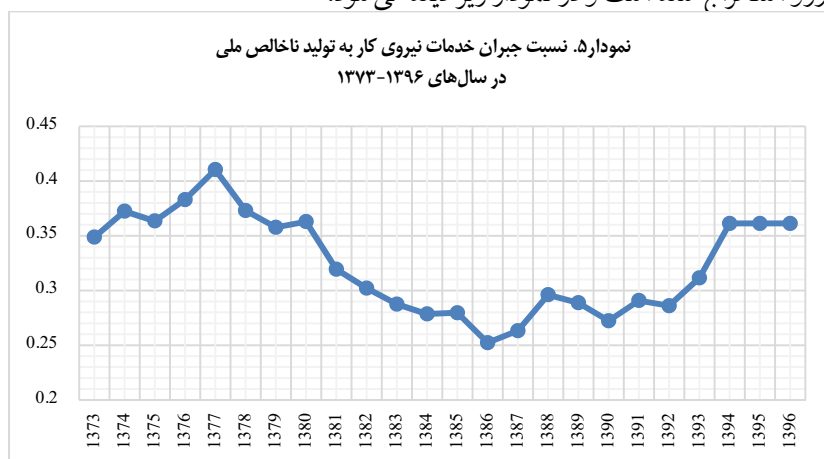
مأخذ: محاسبات پژوهش

همان‌طور که از نمودار ۴ ملاحظه می‌شود نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات

زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی در دو دهه گذشته روند افزایشی به خود گرفته است که با توجه به نقش بااهمیت این نسبت می‌توان حکم کرد که از این منظر هم توان زیرساخت اقتصاد رو به تقویت است و هم این زیر شاخص عدالت در وضعیت مناسبی قرار دارد.

۳-۲-۴. شاخص سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت

منظور از سهم‌بری عوامل تولید، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع تابعی درآمد است که در آن تلاش می‌شود سهم عوامل تولید از درآمد ملی توضیح داده شود. با توجه به اینکه سهم تولیدات کاربر در تولید ناخالص داخلی بیش از نیمی از تولیدات است؛ از این رو از شاخص «نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی» بهره گرفته می‌شود و انتظار می‌رود که در سهم‌بری عوامل تولید، سهم نیروی کار بیشتر از دیگر عوامل باشد. در شاخص «نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی» جبران خدمات کارکنان^۱ عبارت از پاداش‌های درونی و بیرونی است که در مقابل خدمت کارکنان در سازمان به طور منصفانه و عادلانه به آنها پرداخت می‌شود (سیدجوادی، ۱۳۷۳، ص ۵۰). آمار مربوط به سهم جبران خدمات نیروی کار از تولید ناخالص داخلی از داده‌های بانک فدرال رزرو استخراج شده است و در نمودار زیر دیده می‌شود:



مأخذ: محاسبات بانک فدرال رزرو

1. Compensation of employees
2. University of Groningen and University of California, Davis, Share of Labour Compensation in GDP at Current National Prices for Islamic Republic of Iran [LABSHPIRA156NRUG], retrieved from FRED, Federal Reserve Bank of St. Louis; <https://fred.stlouisfed.org/series/LABSHPIRA156NRUG>, July 1, 2019.

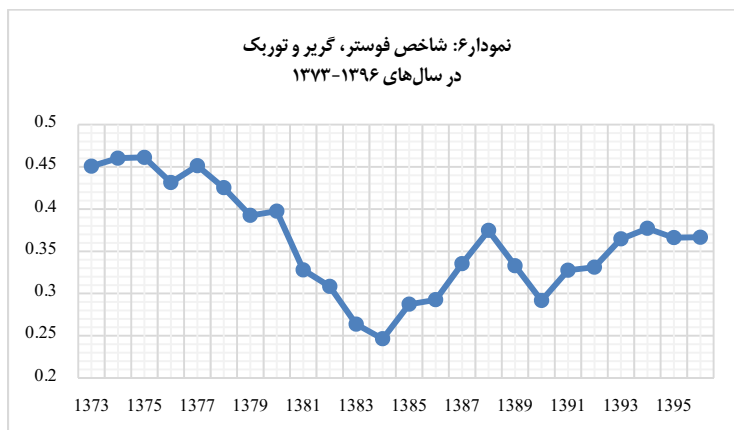
۳-۲-۵. شاخص بازتوزیع درآمد و ثروت

از آنجاکه بی‌عدالتی در بازتوزیع درآمد و ثروت، موجب بروز بی‌عدالتی در مصرف و سرانجام فقر در جامعه می‌شود، می‌توان از شاخص فقر به‌عنوان نشان‌دهنده عدالت در بازتوزیع درآمد و ثروت استفاده کرد؛ زیرا فقر معلول کمبود درآمد و نیز توزیع ناعادلانه آن است. شاخص فقر مورد استفاده، شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT) است. علت استفاده از این شاخص نشان دادن نسبت افراد فقیر و عمق فقر در جامعه مورد مطالعه است که توسط فوستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) پیشنهاد شده است. آنها تجزیه‌پذیری را از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب می‌دانستند؛ به طوری که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت (خسروی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

این شاخص را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$FGT_{\alpha} = p_{\alpha} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \frac{(z - y_i)^{\alpha}}{z^{\alpha}}$$

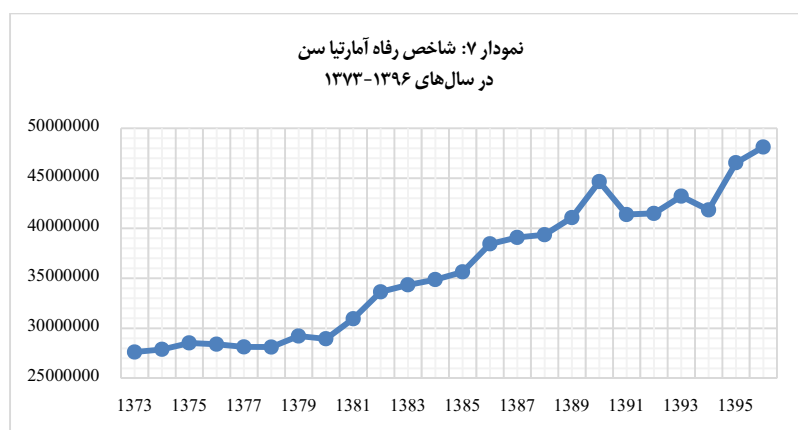
در این شاخص n تعداد افراد جامعه، y_i درآمد خانواده i ام، Z خط فقر و q تعداد افراد فقیر می‌باشد. پارامتر α نیز میزان تنفر و گریز از فقر در جامعه را نشان می‌دهد که هرچه مقدار آن بیشتر باشد به این معناست که جامعه از فقر گریزان‌تر است و باید به فقیرترین افراد اهمیت بیشتری داده شود. اگر پارامتر α برابر صفر باشد، این شاخص به شاخص نسبت سرشمار و اگر برابر با یک باشد به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر $\alpha = 2$ باشد، یعنی این شاخص حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌شود (Foster, Greer & Thorbecke, 1987, p763).



مأخذ: (راغفر و همکاران، ۱۳۹۶)

۳-۲-۶. شاخص توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه

در پیشینه مربوط به توابع رفاه اجتماعی، معیارهای متنوعی مطرح شده است؛^۱ اما تابع رفاه آمارتیا سن به دلیل مبانی نظری قوی و معرفی آکسیوم‌های رفاه، اهمیت زیادی دارد. آمارتیا سن تابع رفاه اجتماعی را به صورت تابعی از مطلوبیت‌های افراد تعریف می‌کند که ناشی از موقعیت‌های اجتماعی اشخاص است. بنابراین، در این نوشتار از شاخص رفاه آمارتیا سن استفاده می‌شود که از طریق رابطه $W = \mu(1-G)$ محاسبه می‌شود. در این رابطه μ بیان‌کننده درآمد سرانه واقعی و G معرف ضریب جینی است و $(1-G)$ نشان دهنده بهبود توزیع درآمد و μG نشان دهنده هزینه نابرابری است (Lubrano, 2016, p.5). برای محاسبه درآمد سرانه واقعی، درآمد ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ بر جمعیت کل کشور تقسیم شده است که اطلاعات آن از داده‌های بانک مرکزی به دست آمده است و ضریب جینی نیز از داده‌های مطالعه راغفر و همکاران (۱۳۹۶) استخراج شده است.



مأخذ: محاسبات پژوهش

مراحل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اشاره شده، در جدول زیر دیده می‌شود:

۱. از جمله داسگوپتا و همکاران (Dasgupta & et al., 1970)، یتزاک (Yitzhaki, 1979)، کاکوانی (Kakwani, 1984)، موخوپادها (Mukhopadhyaya, 2003) و ...

جدول ۳: مؤلفه‌ها و شاخص‌های توضیح‌دهنده شاخص ترکیبی عدالت

مرحله	مؤلفه عدالت	شاخص توضیح‌دهنده
پیش از تولید	توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها	شاخص فیزیکی کیفیت زندگی
		میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی
حین تولید	توجه به حق منابع و عوامل تولید توجه به حق نسل‌های آینده	بهره‌وری کل عوامل تولید
		نرخ سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی
پس از تولید	سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت بازتوزیع درآمد و ثروت توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه	نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی
		شاخص فوستر، گریب و توربک
		شاخص رفاه آمارتیا سن

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در هر حال انتظار همراهی مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید، شاخص رفاه آمارتیا سن، نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی و سنجش نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی و همراهی منفی شاخص فوستر، گریب و توربک، با روند عدالت وجود دارد.

۳-۳. رفع مشکل داده‌های مفقود

داده‌های مفقود اغلب مانع توسعه شاخص‌های ترکیبی قوی می‌شوند. سه روش کلی برای رسیدن به داده‌های مفقود ذکر شده است: حذف مورد، نسبت دادن انفرادی و نسبت دادن چندگانه. در روش اول که تجزیه و تحلیل کامل مورد نامیده می‌شود به سادگی داده‌های مفقوده از تحلیل حذف و کنار گذاشته می‌شود؛ اما این روش باعث نادیده گرفته شدن تفاوت‌های سیستماتیک ممکن میان نمونه‌های کامل و غیرکامل می‌شود. به عنوان یک قاعده کلی، اگر یک متغیر دارای بیش از ۵ درصد از داده‌های مفقود باشد، موارد حذف نمی‌شوند. دو رهیافت دیگر داده‌های مفقود را به عنوان بخشی از تحلیل در نظر می‌گیرند؛ اما تلاش می‌شود تا داده‌های ناقص و مفقود با انتساب مقادیر از طریق منفرد (به طور مثال جایگزینی میانگین، میانه و یا نما، انتساب رگرسیونی و یا دیگر موارد مرتبط برای شناسایی داده مفقود به کار برده می‌شود) یا انتساب چندگانه (در این رهیافت از زنجیره‌های مارکوف و یا شبیه‌سازی مونت کارلو استفاده می‌شود) این مشکل را برطرف کنند (OECD, 2008, P17). در این پژوهش در موارد اندکی که داده‌ها موجود نبودند، از روش‌های «برون‌یابی» و در مواردی «درون‌یابی» برای تخمین متغیر استفاده شده است.

۳-۴. استانداردسازی داده‌ها

از آنجاکه داده‌های جمع‌آوری شده از مقیاس‌های مختلف و متفاوتی برخوردارند، باید پیش از فرایند تجمیع، آنها را به نحوی به واحدی مشخص و یکسان تبدیل کرد. روش‌های مختلفی برای استانداردسازی به کار گرفته می‌شود؛ از جمله رتبه‌بندی، استانداردسازی براساس توزیع Z ، مینمکس، فاصله به یک کشور مرجع، مقیاس‌های طبقه‌بندی شده، شاخص بالا یا پایین میانگین، شاخص‌های سیکلی، تعادل نظرات، درصد اختلافات سالانه در طول سال‌های متوالی (OECD, 2008, p30). در این نوشتار از روش استانداردسازی براساس توزیع Z استفاده می‌شود که از رابطه زیر به دست می‌آید.

$$Z_i = \frac{x_i - \bar{x}_i}{\sigma_i}$$

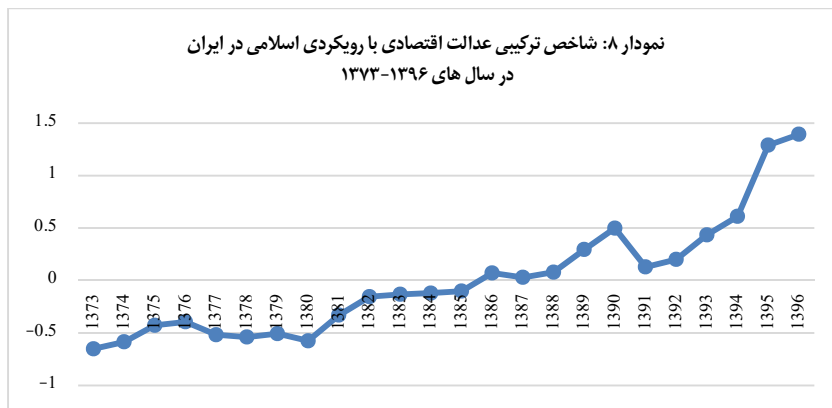
در این رابطه \bar{x}_i میانگین داده‌ها و σ_i انحراف معیار داده‌ها در مورد شاخص A_m می‌باشند.

۳-۵. وزن‌دهی و ترکیب شاخص‌ها

مرحله پس از استانداردسازی داده‌ها، وزن‌دهی و تجمیع زیرشاخص‌هاست. وزن‌ها می‌توانند تأثیر معناداری روی شاخص ترکیبی داشته باشند. روش‌های وزن‌دهی مختلفی وجود دارد. برخی از مدل‌های آماری مشتق شده‌اند؛ مانند روش‌های تجزیه و تحلیل عاملی، تحلیل پوششی داده‌ها و مدل‌های مؤلفه‌های غیرقابل مشاهده، یا از روش‌های مشارکتی مانند فرایند تخصیص بودجه، فرایندهای تحلیل سلسله‌مراتبی و تحلیل تلفیقی پدید آمده‌اند. در برخی روش‌ها تحلیلگران وزن‌ها را براساس روش‌های آماری انتخاب می‌کنند و در دیگر روش‌ها (روش‌های جبرانی) تحلیلگران براساس نظریات کارشناسان، برای انعکاس بهتر اولویت‌های سیاستی و عوامل نظری، به عوامل مختلف با توجه به تأثیر بیشتری (یا کمتری) که ممکن است داشته باشند، وزن‌های بیشتر یا کمتری اختصاص می‌دهند (OECD, 2008, p21). برای تجمیع و ترکیب نهایی نیز روش‌های مختلفی وجود دارد که به طور کلی به دو دسته تجمیع خطی و تجمیع هندسی تقسیم می‌شوند (OECD, 2008, p22). از آنجاکه تعیین و تشخیص اولویت‌ها از منظری اسلامی، نیازمند اجتهاد و استنباط فقهی بالایی است که خود مقاله مستقلی را می‌طلبد، از وزن یکسان به‌عنوان یک فرض از فروض الگویی پیشنهادی در این مقاله، استفاده می‌شود؛ از این‌رو در این مطالعه ضمن در نظر گرفتن وزن یکسان برای همه شاخص‌ها، به کمک میانگین ساده، شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی محاسبه شده است.

۴. نتایج برآورد شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی

سری زمانی شاخص مورد هدف پژوهش پس از طی مراحل یادشده و با توجه به اطلاعات به دست آمده طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ در نمودار زیر دیده می‌شود.



منبع: محاسبات پژوهش

گرچه تفسیر تفصیلی روند شاخص ترکیبی عدالت به دلیل دخالت عوامل متعدد و پیچیدگی شاخص میسر نیست؛ ولی آنچه به طور آشکار از این نمودار دیده می‌شود این است که برای مثال پس از شوک‌درمانی‌های سال‌های ۸۹ و ۹۰ و بروز بی‌ثباتی‌های ناشی از شوک ارزی و قیمت حامل‌های انرژی و جولان رو به رشد بانک‌های خصوصی پس از سال ۱۳۹۰ شاخص ترکیبی عدالت رو به کاهش گذارده است و سپس افزایش می‌یابد که از منظر عدالت و معیارهای آن پیام‌های روشنی برای رویه‌های فکری، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و عملکرد دولت‌ها دارد.

۵. خلاصه و نتایج

این پژوهش با هدف سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی برای سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ در ایران، به مطالعه پیشینه علمی و نقد و بررسی آن پرداخت و با طرح این پرسش که «مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی کدام‌اند؟» به کنکاش در منابع علمی در عرصه اقتصاد و اسلام برای یافتن پاسخ قابل قبول برآمد و پس از ارائه پیشینه پژوهش و پیشینه علمی موضوع در داخل و خارج از کشور، مراحل ایجاد شاخص ترکیبی در چارچوب نظری پیشنهادی دنبال شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱. برای تحقق عدالت اقتصادی در جامعه باید همه ابعاد زندگی بشر دارای فرایندی عادلانه

باشد؛ از این رو مراحل زندگی به پیش، حین و پس از فرایند تولید تقسیم شد که تحقق عدالت در همه این مراحل امری ضروری به نظر می‌رسد؛

۲. توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید و همچنین توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه از مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌باشند؛

۳. عدالت پیش از فرایند تولید، به وجود عدالت در قابلیت‌های افراد اشاره دارد؛ به طوری که توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات، باید براساس شایستگی‌ها انجام گیرد؛ از این رو برای تبیین وضعیت عدالت در مرحله پیش از تولید از «شاخص فیزیکی کیفیت زندگی» (PQLI) استفاده شده است؛

۴. برای عادلانه بودن فرایند تولید باید حق منابع و عوامل تولید رعایت شود و حق آنها این است که از موضع اصلی خویش منحرف نشود تا آثار مفید آنها قابل استحصال و بهره‌برداری کامل باشد. برای این منظور باید از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و...) به صورت بهینه استفاده کرد؛ یعنی باید بهره‌وری عوامل تولید را بیشینه کرد. میزان بهره‌وری را می‌توان به کمک شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) اندازه گرفت؛

۵. استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، مشروط به حفظ محیط زیست و رعایت حقوق نسل‌های آینده است؛ از این رو نسل حاضر باید بتواند در عین استفاده از منابع طبیعی، حداقل به همان میزان، دیگر سرمایه‌ها را پدید آورد تا عدالت رعایت شود. بنابراین لازم است درآمدهای حاصل از منابع طبیعی پایان‌پذیر را در امور زیربنایی سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی خود را از بازدهی آن سرمایه‌گذاری‌ها تأمین کند. با این مقدمه شاخص «نرخ سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی» بیان‌کننده مناسبی برای سنجش میزان رعایت عدالت در این عرصه در نظر گرفته شده است؛

۶. منظور از سهم‌بری عوامل تولید، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع تابعی درآمد است که در آن تلاش می‌شود سهم عوامل تولید از درآمد ملی توضیح داده شود. با توجه به اینکه سهم تولیدات کاربر در تولید ناخالص داخلی بیش از نیمی از تولیدات است؛ از این رو از شاخص «نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی»، بهره گرفته می‌شود و انتظار می‌رود که در سهم‌بری عوامل تولید، سهم نیروی کار بیشتر از دیگر عوامل باشد؛

۷. از آنجاکه بی‌عدالتی در بازتوزیع درآمد و ثروت، موجب بروز بی‌عدالتی در مصرف و سرانجام فقر در جامعه می‌شود، می‌توان از شاخص فقر به‌عنوان نشان‌دهنده عدالت در بازتوزیع

- درآمد و ثروت استفاده کرد؛ زیرا فقر معلول کمبود درآمد و نیز توزیع ناعادلانه آن است. شاخص فقر مورد استفاده، شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT) می‌باشد؛
۸. برای محاسبه شاخص توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه، در ادبیات مربوط به توابع رفاه اجتماعی، معیارهای متنوعی مطرح شده است؛ ولی تابع رفاه آمارتیا سن به دلیل مبانی نظری قوی و معرفی آکسیوم‌های رفاه، در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفت؛
۹. انتظار همراهی مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (PQLI)، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)، نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی، شاخص رفاه آمارتیا سن و سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی به برداشت از منابع طبیعی و در مقابل همراهی منفی شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT)، با روند عدالت وجود دارد؛
۱۰. با توجه به محاسبات انجام گرفته، شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی در ایران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ غیر از موارد اندکی روندی صعودی داشته است.

منابع

- * القرآن الکریم.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۳. الأزهري الهروي، أبو منصور محمد بن أحمد (۲۰۰۱م)، تهذيب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹)، گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران ۱۳۶۷-۱۳۸۶، معاونت اقتصادی، اداره حساب‌های اقتصادی.
 ۵. بختیاری، صادق (۱۳۸۲)، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
 ۶. پيله فروش، میثم (۱۳۸۴)، «شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن (مطالعه موردی: استان قزوین)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات.
 ۸. توتونچیان، ایرج و حسین عیوضلو (۱۳۷۹)، «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد»، تحقیقات اقتصادی، ش ۵۷، ص ۹۷-۱۳۲.
 ۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
 ۱۰. حکیمی، محمدرضا؛ محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۱. خسروی‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۱)، «برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی»، مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۶، ش ۲، ص ۳۹-۶۰.
 ۱۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (علیه السلام)، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
 ۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.

۱۴. راغفر، حسین؛ محدثه یزدان پناه و زهرا شکری (۱۳۹۶)، شاخص های فقر و نابرابری در ایران ۱۳۶۳-۱۳۹۴، تهران: پژوهشکده مطالعات اقتصادی دانشگاه الزهرا.
۱۵. رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۲)، «مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی»، معرفت اقتصاد اسلامی، دوره ۵، ش ۱، ص ۷۹-۱۰۴.
۱۶. رجایی، سیدمحمدکاظم و سیدمهدی معلمی (۱۳۹۰)، «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص های آن»، معرفت اقتصاد اسلامی، دوره ۲، ش ۲، ص ۵-۳۰.
۱۷. سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۷۳)، «تأثیر جبران خدمات در نگهداری نیروی انسانی»، دانش مدیریت، ش ۲۶، ص ۵۰-۵۵.
۱۸. سیدنورانی، سیدمحمدرضا و سیداحسان خاندوزی (۱۳۹۵)، «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران»، مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۵)، ص ۵۷-۸۴.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، چاپ دوم، تهران: پیام آزادی.
۲۰. صادقی، سیدکمال؛ محمدباقر بهشتی؛ رضا رنج پور و سعید ابراهیمی (۱۳۹۶)، «برآورد شاخص های نابرابری شهری و روستایی ایران (۱۳۶۹-۱۳۹۴)»، دومین کنفرانس سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران-سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳)، اقتصاد ما، ج ۱، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)، شاخص های عدالت اقتصادی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۶. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۶)، «عدالت بین نسلی در بهره برداری از منابع طبیعی»، اقتصاد اسلامی، دوره ۷، ش ۲۵، ص ۱۲۵-۱۵۶.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۸. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی)، تهران: صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، عدل الهی، چاپ چهل و پنجم، تهران: صدرا
۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
34. Allingham, M. G., (1972), "The measurement of inequality", *Journal of Economic Theory*, Volume 5, Issue1, August 1972, PP: 163-169.
35. Atkinson, A.B., (1970), "On the measurement of inequality", *Journal of Economic theory*, N2. pp: 244-263.
36. Atkinson, A.B., (1987), "On the measurement of Poverty", *Econometrica*, 55, pp: 749-764.
37. Bleichrodt, Han, Doorslaer, Eddy van (2006), "A welfare economics foundation for health inequality measurement", *Journal of Health Economics*, 25, pp: 945-957.
38. Champernowne, D. G. ,(1974), "A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution", *Economic Journal*, vol. 84, issue 336, 787-816.
39. Cheli, B., & Lemmi, A., (1995), "A "totally" fuzzy and relative approach to the measurement of poverty", *Economic Notes*, 24(1), pp: 115-134.
40. Enste, D.H., Wies, J.,(2013), *International Justice Monitor 2013: A comparison of 28 countries for the years 2000 to 2012 across six justice dimensions [Internationaler Gerechtigkeitsmonitor 2013: Ein Vergleich von 28 Ländern für die Jahre 2000 bis 2012 über sechs Gerechtigkeitsdimens. Köln.*
41. Foster, James; Greer, Joel & Thorbecke, Erik (1987), "A Class of Decomposable Poverty Measures", *Econometrica*, 52 (3), pp: 761-65.
42. Garcia, S.M., Staples, D.J., & Chesson, J., (2000), The FAO guidelines for the development and use of indicators for sustainable development of marine capture fisheries and an Australian example of their application, *Ocean & Coastal Management*, Volume 43, Issue 7, 537-556.
43. Qizilbash, M., (2002), "A note on the measurement of poverty and vulnerability in the South African context", *Journal of International development*, 14, pp: 757-772.

44. Jasso, Guillermina (2007), Studying Justice: Measurement, Estimation, and Analysis of the Actual Reward and the Just Reward, IZA Discussion Paper No. 2592.
45. Kakwani, N., (1976), "On the estimation of income inequality measures from grouped observations", *The Review of Economic Studies*, 43 (3), 483-492.
46. Kauder; Björn & Potrafke; Niklas (2015), "Globalization and Social Justice in OECD Countries", *Review of World Economics*, Vol.151, Issue 2, pp. 353-376.
47. Kluegel, J.R., & Mateju, P., (1995), Egalitarian vs. inegalitarian principles of distributive justice. In: Kluegel, J.R., Mason, D.S., Wegener, B. (Eds.), *Social Justice and Political Change: Public Opinion in Capitalist and Post-Communist States*. Walter de Gruyter, Berlin, pp: 209-238.
48. Kornienko, Alla A., & Syryamkina, Evgeniya V., (2015), "Justice as an indicator of well-being in modern society", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 166, pp: 122-126.
49. Litchfield, Julie (1999), *Inequality: Methods and Tools*, Text for World Bank's Web Site on Inequality, Poverty, and Socio-economic Performance.
50. Lelli, S., (2001), Factor analysis vs. fuzzy sets theory: Assessing the influence of different techniques on sen's functioning approach, Center of Economic Studies Discussion Paper, KU Leuven.
51. Lubrano, Michel, (2016), *The econometrics of inequality and poverty*, Lecture 3: Welfare functions, inequality and poverty.
52. Merkel, Wolfgang and Heiko Giebler (2009), *Measuring Social Justice and Sustainable Governance in the OECD, Theory and Practice of the Welfare State in Europe in 20th Century*, Publisher: HISTORICKY USTAV, Editors: Zlatica Zudova-Leskova, Emil Voracek, pp.79-101.
53. Morris, David, Morris (1979), *Measuring the Conditions of the World Poor, the Physical Quality of Life Index*, Pergaman Press, New York.
54. OECD (2008), *Handbook on constructing composite indicators: Methodology and user Guide*, Paris. ISBN 978-92-64-04345-9.
55. Onsel, S., Ulengin, F., Ulusoy, G., Aktas, E., Kabak, O., & Topcu, Y., (2008), "A new perspective on the competitiveness of nations", *Socio-Economic planning science*, 42, 221-246.

56. Schraad-Tischler, Daniel., Schiller, Christof (2017), *Social Justice in the EU Index*, Social Inclusion Monitor Europe. Bertelsmann Stiftung, Carl-Bertelsmann-Straße 256, 33311 Gütersloh, Germany, www.bertelsmann-stiftung.de.
57. Schraad-Tischler, Daniel (2011), *Social Justice in the OECD –How Do the Member States Compare?*, Bertelsmann Stiftung, Available at: <http://www.bertelsmann-stiftung.de>.
58. Sen, Amartya (1976), “An Ordinal Approach to Measurement”, *Econometrica*, No.2, Vol.44, pp: 219-231.
59. Smith, Michael L., (2010), Perceived corruption, distributive justice, and the legitimacy of the system of social stratification in the Czech Republic, *Communist and Post-Communist Studies* 43, pp:439-451.
60. Takayama, N., (1979), “Poverty, income inequality and their measures: professor sen’s axiomatic approach reconsidered”, *Economica*, Vol.47; No.3, pp: 747-759.
61. UNDP (UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME), (1990), Human Development Report 1990.
62. Unterhalter, Elaine (2005), “Global inequality, capabilities, social justice: The millennium development goal for gender equality in education”, *International Journal of Educational Development*, 25, pp: 111-122.
63. Zhou, P., Ang, B. W., (2009), “Comparing MCDA Aggregation Methods in Constructing Composite Indicators Using the Shannon-Spearman Measure”, *Social Indicator Research*, 94 (1): 83-96.